



شاهنامه، بدون پایان خوش

احمد رضا حبیبی



اغتشاشات سال ۱۴۰۱ را شاید بتوان عصاره ۴۳ سال دشمنی گروهک‌ها و فرقه‌های مختلف با جمهوری اسلامی دید که بعد از انقلاب تاکنون جز دشمنی با جمهوری اسلامی و ملت ایران چیز دیگری نداشتند و در این سال با همه توان تیشه بر ریشه درخت تنآوری کشیدند که از دوران نهال بودن، داغ سقوط آن بردلشان مانده بود و این بار همه با هم به میدان آمده بودند. اغتشاشاتی که برخلاف گذشته از بستر اجتماعی مردم شکل گرفت و از دل همین گروهک‌ها رشد کرد و در رسانه آنها ضریب گرفت. اغتشاشاتی که نسبت به قبل ویژگی‌های خاصی از جمله عدم حضور میدانی گسترده، ضریب رسانه‌ای به شدت گسترده، خشونت شدید میدانی، نفرت‌پرانی گسترده و اضمحلال اخلاقی شدید در عمل و در شعار داشت. در چنین عرصه‌ای که این گروهک‌ها تدارک دیده‌اند، بازگشت از مسیر به معنای یک شکست تمام عیاری است که قرار نیست توسط آنها پذیرفته شود، پس نیازمند این هستند تا با تمام قوت خیابان‌ها را به نامنی بکشند - که البته نتوانستند و نمی‌توانند - پس تمام قوای خود را صرف ایجاد حس نامنی خواهند کرد که در این راستا نیز از هیچ ظرفیتی فروگذار نیستند. یکی از این ظرفیت‌ها ایجاد قرارهای هفتگی در روز شنبه برای اغتشاشات است که در ایران شلوغ‌ترین روز کاری است و کوچک‌ترین اتفاق در هر گوشه‌ای از شهر چنین نمود پیدا می‌کند که گویی خیل عظیمی از جمعیت برای اعتراض جمع شده‌اند؛ اما به واقع چنین جمعیتی برای یک روز کاری و در ساعت شلوغی شهر عادی و در اروپا نیز روز تعطیلی و فراغ‌بال برای عناصر این گروهک‌ها برای تجمع است. تجمعات اروپا در ابتدا یک ضریب رسانه‌ای برای تحریک داخل کشور بود، زیرا همپوشش رسانه‌ای خوبی داشت و هم ایجاد حس حمایت جهانی! را برای عناصر داخلی ایفا می‌کرد؛ اما رفته رفته همین تجمعات به فضاحتی تبدیل شد که بیشتر هزینه‌ها را آمد تا امیدساز. تجمعاتی که در دبی ۹۵ بازدید داشت، در پاریس توسط پلیس ضدشورش به سختی سرکوب شد و در لندن نیز ۱۳ نفر از این افراد تحت تعقیب پلیس قرار گرفته و اسامی و تصاویر آنها به صورت عمومی در رسانه‌ها منتشر شد. بعد از آن، تجمعات به حمله به سفارتخانه‌ها ارتقا پیدا کرد و حتی این

اتحاد نیست، نمی‌توان مردم را به هیچ روشی با هم متحد کرد. در برلین، اجتماعی صورت گرفت که بیش از اینکه نماد اتحاد برای آزادی ایران باشد، لشکرکشی ضد جمهوری اسلامی برای گرفتن سهمشان بوده است. سهمی که تنها مانع آن جمهوری اسلامی است. جماعتی که پان‌تُرک‌های آن با پرچم آذربایجان جنوبی، خلق عرب با پرچم عربستان جدید، بلوچستان با گروهک‌های مسلح حاضر در صحنه و کردستان نیز با حضور شبه‌نظامیان حاضر در مناطق کردنشین ایران به وضوح طرح تجزیه را به ما نشان می‌دهند. باید از این جماعت ساده لوح که کشور را به لبه پرتگاه تجزیه می‌کشاند چنین پرسید «گرگ‌هایی که تا دیروز پرچم و دولت مستقل داشتند، الان وبه یکباره سربازان میهن شده‌اند؟». این افراد که به رایگان عمده این گروهک‌ها شده‌اند باید بدانند که سلام گرگ بی طمع نیست و این داستان، شاهنامه نیست که پایان خوشی داشته باشد.

همه‌وهمه برای نشان دادن آخرین توان آنها، در ایجاد بزرگ‌ترین اجتماع ضد جمهوری اسلامی بود. اجتماعی که بنیادش بر بیغض جمهوری اسلامی بوده تا بر حب ایران! اجتماع برلین را می‌توان این‌گونه تفسیر کرد، این جمعیت نه برای اتحاد برای آزادی میهن بلکه برای تصفیه حساب شخصی با جمهوری اسلامی گرد هم آمده بودند. جمعیتی که هیچ مؤلفه اتحادی نداشتند که حتی در موارد مهمی نیز با یکدیگر اختلاف نظر دارند. افرادی که قرار بود در روز شنبه قیامتی را برای جمهوری اسلامی رقم بزنند؛ اما فقط مصداق «و اذا الوحوش حشرت» شدند. جماعتی که درگیری‌های بین خودشان به قدری واضح است که کار را از تجزیه ایران به سمت چندپاره کردن جامعه نیز کشانده‌اند و می‌توان گفت که فردای با حضور ایشان به مراتب بدتر از فردای با حضور داعش است، زیرا در جامعه چندپاره‌ای که حتی نام «ایران» هم مؤلفه

حرکت به صراحت توسط مسیح علی‌نژاد تبلیغ شد؛ اما در همان ابتدا به قدری هزینه برای وجهه رسانه‌ای این گروهک‌ها ایجاد کرد که به سرعت این حملات را متوقف کرده و مسیح علی‌نژاد را به دلیل حمایت از آنها مورد حمله قرار دادند. آخرین حربه این جماعت برای استفاده از فضای خارج از کشور، اجتماع ایرانیان ساکن اروپا در برلین بود. اجتماعی به گستردگی جمعیت ایرانیان ساکن اروپا در یک نقطه البته به صرف سانددیس و اتوبوس رایگان! قرار بر این شد تا همه گروهک‌ها از مجاهدین خلق (منافقین) تا کومله و خلق عرب و پان‌تُرک‌ها و سلطنت‌طلبان با همه قوت و قدرت حاضر شوند. درخواست از دولت‌های مختلف برای قراردادن اتوبوس رایگان برای حضور از بقیه کشورها در این تجمع گرفته تا برقرار کردن غرفه‌های پذیرایی، از دعوت غیرایرانیان تا هم‌زمان برگزار کردن تجمع با سایر تجمعات آخر هفته در برلین!

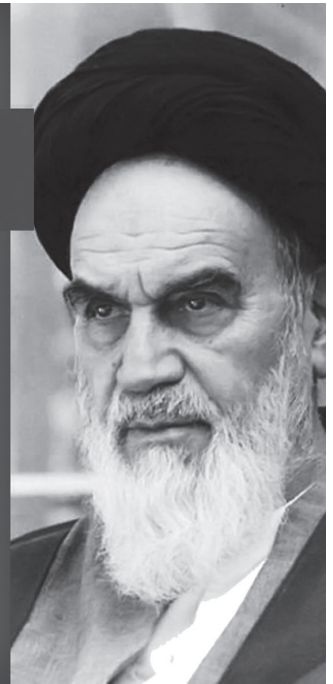


۹۹ امام خمینی

هشدار به قشرهای فاسد

من توبه می‌کنم از این اشتباهی که کردم، و من اعلام می‌کنم به این قشرهای فاسد در سرتاسر ایران که اگر سر جای خودشان ننشینند، ما به طور انقلابی با آنها عمل می‌کنیم. ما باز تا چندی مهلت می‌دهیم به این قشرهای فاسد؛ و این اعلام آخراست و اگر چنانچه در کار خودشان تعدیل نکنند و به ملت بزرگردد و دست از توطئه‌ها برندارند، خدا می‌داند انقلابی عمل می‌کنم. می‌آیم تهران و رؤسای که مسامحه می‌کنند با آنها انقلابی عمل می‌کنم.

صحیفه امام؛ ج ۹، ص ۲۸۳-۲۸۲



... خداداد عزیزی ... و توی دروازه

علی اختیاری



اوکراین، خبر حذف تیم ملی ایران از جام جهانی برای یک اقدام پیش‌دستانه دیگر مطرح شد. آن اقدام چه بود؟ ایجاد یک دست‌آویز رسانه‌ای برای قانونی نشان دادن خروج آمریکا از برجام. پس از خروج ترامپ از برجام، افکار عمومی جهان نسبت به سیاست‌های آمریکا بدبین شدند، از سوی دیگر سیاست دوپهلوی بایدن هم نتوانست در توافقات اخیر تا بدین جایشرفتی داشته باشد؛ لذا تلاش برای خارج کردن ایران از میان تیم‌های جام جهانی و ضریب دادن به خبر فروش سلاح ایران به روسیه می‌توانست با توجه به شرایط داخل کشور، جو مسمومی را علیه ما ایجاد کند که البته راه به جایی نبرد. بعضی از کاربران ایرانی در فضای مجازی از این اتفاق این‌طور تعبیر کردند که دشمنان ایران در جام جهانی از ترس خود، به فکر حذف تیم ملی ایران افتادند. همچنین برخی به جشن خیابانی بعد از پیروزی در مقابل هر یک از اینها اشاره کردند که حتماً باعث ترس دشمنان از خداند و آرزوی پیروزی و موفقیت تیم ملی در جام جهانی ۲۰۲۲.

معلوم نبود، مردم ما را آشفته و مضطرب کرد. حذف تیم ایران از جام جهانی. آیا این اتفاق شدنی است؟ ایران به صورت طبیعی همه مراحل را طی کرده و به جام جهانی رسیده و حذف تیم ایران به این راحتی نیست. ثانیاً همه چیز انجام شده، قرعه‌کشی تمام شده و محل بازی‌ها مشخص شده است؛ لذا باید گفت این خبر در حد یک شایعه بزرگ بود. البته دو اتفاق در این باره خیلی از توجهات را به خود جلب کرد، اولی نامه سفیر آمریکا به فیفا درباره حذف تیم ملی ایران و دیگری توییت خبرنگار ایتالیایی در مورد جایگزینی تیم ایتالیا به جای تیم ملی ایران بود. این مسائل نیز بازی رسانه‌ای بیش نبود و حتی در صورت قبولی همه این اتفاقات و حذف تیم ملی ایران، باز هم ایتالیا نمی‌توانست جایگزین ایران در جام جهانی باشد چرا که در صورت حذف ایران فقط یک تیم آسیایی می‌توانست جانشین ایران در این مسابقات باشد. پشت پرده این خبر اما از خود خبر جالب‌تر است. پس از ادعاهای مقامات اروپایی و آمریکایی مبنی بر استفاده روسیه از پهپادهای ایرانی در جنگ با

قصه جام جهانی برای ما از روزی شروع شد که در شهر ملبورن، یوزپلنگ‌های ایرانی افتخار آفریدند. صدای جواد خیابانی، پاس علی دایی و گل خداداد عزیزی هیچ‌وقت فراموش نخواهد شد. بازی ایران و استرالیا از وقایع تاریخی فراموش‌نشده در تاریخ ما است. همچنین گل حمید استیلی به آمریکا، گل رضا قوچان نژاد به کره جنوبی و صعود ایران به جام جهانی و عملکرد خیره‌کننده علیرضا بیرانوند در گرفتن پنالتی کریستیانو رونالدو، در تاریخ کشور

خودفروخته های بی ارزش

محمد امیراکبری

مواضع نظام اسلامی است و یا صرفاً اعترافی به خطای خود برای حفظ جایگاه و موقعیتشان به صورت رسمی در کشور است؟ طبیعی است که هیچ حکومت و ولایتی نمی تواند به صورت مطلق بر تک تک انسان ها مقبول بیفتد. همیشه حتی در برابر ولایت خداوند نیز افرادی وجود خواهند داشت که در برابر پذیرش حق مقاومت می کنند. حال حکومتی که بر پایه دین الهی و بر اساس جمهوریت، نظام گرفته و در چهل سال آغازین تجربه خود موفقیت هایی بسیار و در عین حال کمبودها و ایراداتی قابل توجه نداشت، آن هم در دوران سلطه استعمار کشورهای قدرتمند در زمین؛ لذا طبیعی است که با تهاجمات زیادی روبه رو می شود. خصوصاً اینکه جمهوری اسلامی در بازتولید موفق فرهنگ خود در بین نسل های آینده دار بعدی اش دچار مشکلاتی شده و از سویی دیگر ناکارآمدی های زیادی در طول سنوات اخیر، دلیل خوبی برای مخالفت به دست مخالفان داده است. به هر حال همین نظام، برای بسیاری دستگاه پول سازی و برای بسیاری دیگر عرصه شهرت طلبی بوده است. اینکه بخواهیم بگویم همه مثل هم هستند یک خطای جاهلانه است، اما شکی نیست که کسانی که در زیر سایه حمایت این حکومت بزرگ شده اند خوب می دانند با پشت کردن به آن خود را وارد چالش بزرگی کرده اند. سلبیتهای تحریک کننده به بی قانونی و دعوت کننده به اغتشاش باید بدانند مردم آنها را زمانی قبول دارند که دلسوز ایران باشند در غیر این صورت فراری های خارجی و پشت کننده به ایران ارزشی برای مردم نخواهند داشت.

خدمت هم وطنان عزیزم عرض می کنم ... هیچ انسانی با تجزیه کشورش موافق نیست ... همه ما در فضای رسانه دچار اشتباهاتی می شویم ... من فرزند ایرانم ... سوء برداشتهایی نامنصفانه صورت گرفته است ... خلاصه آنچه در چند روز اخیر از زبان قشر محبوبی به نام سلبیتهی بیان شده است. اما چرا؟ چرا برگشتند؟ از همان ابتدا نیز با وجود تمام فراخوان های تجزیه طلبان، منافقین، براندازان و غرب گرایان، تعداد تجمع کنندگان در نقاط مختلف کشور به میزان غیر قابل توجهی برایشان اندک بود. با وجود تمام توهمات ذهنی که سیستم هوشمند اکسپلور اینستاگرام برای برخی ها از جمله سلبیتهی ها به وجود آورده بود، بسیاری از آنها براندازی نظام را نزدیک می دانستند. طبیعتاً این جو و فضای غیر حقیقی و سراب گونه، به برخی جوان ترها برای اولین بار و پس از به شهرت رسیدن خود، برخی جافتاده ترها پس از خط شکنی در عرصه روابط فرهنگی و جنسی و در نهایت برخی موسپیدان عرصه هنر سینما و تلویزیون، جرئت داد تا قدم به میدان نبرد مجازی نهاده و به سهم خود در برابر ارکان و اجزای اصلی نظام بایستادند. حالا که قصه تمام شده، دروغ ها عیان گشته، وعده های سرخرمن محقق نشده و بازهم نظام اسلامی استوار باقی است، شاهد موج بازگشت برخی از این افراد مشهور از سرکشی خود به آغوش گرم پدر هستیم. هر چند می توان این سؤال اساسی را مطرح کرد که آیا این توبه های مستقیم یا غیر مستقیم و بازگویی اصل های معقول مقبول شهروندان و متمدنانه، نشان از همراهی حقیقی آنها با

مأمّن ما در آتش و خانه دشمن در امنیت

ابوالفضل کشتکار



دشمن از هر سو به ما هجوم آورده؛ ولی ما چه می کنیم؟ واقعاً مسئولین می دانند با خودشان چند، چند هستند؟ عربستان سعودی، کشوری است که تحت سلطه یک قبیله سلطنتی اداره می شود. این قبیله نه تنها برای درون قلمرواش برنامه دارد؛ بلکه برای کل منطقه و جهان آتش به ارمغان می آورد. برادران و خواهران عزیزتر از جانمان را در یمن به خاک و خون می کشد و با دخالت های گاه و بی گاهش اجازه نمی دهد یک لحظه آرامش نصیب کشورهای مثل لبنان، عراق و سوریه شود. اما حالا پایش را از گلیمش خیلی فراتر گذاشته و علناً پا در قلمروی ملی ایران کرده است. تمام سعی خود را کرده که آتش را به درون خانه ما بیندازد. از گروه های تجزیه طلب شرق و غرب کشورمان تمام قد حمایت می کند. همچنین حامی منافقینی است که تشکیلاتی گسترده را در خدمت ترور هزاران ایرانی و غیر ایرانی آورده می آورند. خلاصه اینکه هر کس حاضر باشد لگدی به جمهوری اسلامی بزند سعودی ها پشت او خواهند بود. شاید حمایت های دولت تروریست پروری مثل سعودی در شکل گیری فجایعی مثل فاجعه حمله به شاه چراغ هم بی تأثیر نبوده است. اما سعودی ها فقط در این زمینه محدود نمانده اند. مدتی است رسانه ای به

اسم ایران اینترنشنال را با زور پول آورده اند. رسانه ای که در کنار خواهران نامشروعش مثل بی بی سی و من و تو، مدام در حالا برافروختن آتش اغتشاشات درون ایران است. به راستی سعودی و دیگر دشمنان شیطان صفت این نظام مقدس، هر چه در توان داشته اند برای آتش زدن ما به میدان آورده اند. دشمنانی مثل آمریکا، انگلیس و رژیم صهیونیستی. اما تا وقتی که این قسم ماجراجویی ها برای این شیاطین هزینه ای نداشته باشد، ما در موضع انفعال خواهیم بود. امیر المؤمنین علی علیه السلام می فرماید: «... قُلْتُ لَكُمُ اغْرَوْهُمْ قَبْلَ أَنْ يَغْرَوْكُمْ. فَوَاللَّهِ مَا غَرِي قَوْمٌ قَطُّ فِي عَقْرِ دَارِهِمْ إِلَّا دَلُّوا فَتَوَاكَلْتُمْ وَ تَحَادَّثْتُمْ حَتَّى شَتَّتْ عَلَيْكُمْ الْعَارَاتُ وَ مُلِكَتْ عَلَيْكُمْ الْأَوْطَانُ...» امام مقتدر و مظلوم ما خطاب به کوفیان می فرماید به شما گفتم با سپاهیان معاویه بجهنگید قبل از اینکه آن ها با شما بجهنگند. به خدا قسم هیچ قومی نبود که در عمق خانه اش بجهنگند مگر اینکه دلیل شدند. اما شما کار را به یکدیگر حواله کردید و خواری و ذلت پذیرفتید تا اینکه از هر طرف به شما حمله شد و وطن هایتان اشغال شد. راه نجات از این همه هجمه همان است که مولای متقیان فرمود. چرا مسئولین ما اجازه دادند آتش به داخل خانه امن ما بیفتد و دشمن در امنیت و آرامش فکر نابودی ام القری جهان تشیع باشد؟ تا کی می خواهید با این دشمنان قسم خورده، به اسم مصلحت اندیشی با رأفت اسلامی برخورد کنید؟ آیا آن اسلام ناب محمدی که پیر خمین از آن دم می زد، قاطعیت و اقتدار ندارد؟ لطفاً به جای مصلحت سازی به فکر امنیت ام القری تشیع، ایران عزیزمان باشید. از موضع انفعال بیرون بیایید. تا وقتی که دشمنان، هزینه این آتش افروزی هایشان را ندهند، آتش همین آتش است و کاسه همین کاسه.



مترسک‌های برانداز

مهدی میرزاپور

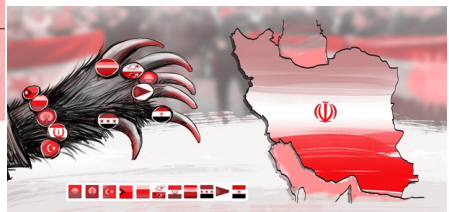


اصولاً جامعه‌ای که در رسیدن به آرمانش کم بیاورد و نتواند خودش مسئله خودش را حل کند، دست‌به‌دامن غیر می‌شود. وقتی مشکلات و موانع عمیق‌تر شد دیگر به این فکر نخواهد کرد که توسل به بیرون و طلب مساعدت از آن، چه پیامدهایی خواهد داشت، این جامعه حتی به این نیز نمی‌اندیشد (البته خودش نمی‌خواهد ببیند) پس از رسیدن به آرمانش چه امتیازاتی باید به آن بیرونی‌ها بدهد؛ او فقط به دنبال رسیدن به خواسته‌هایش است. با اندک نگاهی به کنشگران آشوبگر داخل کشور، روشن می‌شود جمعیت جامعه آنها در داخل کشور در مقایسه با غیر آشوبگر، بسیار اندک است. آنها توانایی همراه کردن مردم با خود را ندارند. به همین

نظام پادشاهی خودشان را در کشورمان پیاده کردند، سؤال اینجاست حضور همجنس‌گرایان و افراد لخت در گردهمایی روز شنبه برلین، و حمایت سلطنت‌طلبان از آنها، آیا معنایی جز این دارد که فردای سرنگونی (خیالی)، آنها در ایران شروع به فعالیت خواهند کرد؟ در این صورت، به نظرتان غیرت ما مردم ایران، این را قبول می‌کند؟ اینها بر کدام مردم می‌خواهند حکومت کنند؟ آن اقلیتی که خود را مُبرا از ناموس می‌دانند یا آن اکثریتی که ناموس برایشان خط قرمز است؟ درانتها باید اشاره کنم که نباید از فعالیت‌های ضدانقلاب و معاندین غفلت کرد چرا که چنین پروژه بزرگ و پرهزینه‌ای را که شروع کرده‌اند به این راحتی رها نمی‌کنند. یعنی آنها هنوز هم برای ادامه‌دار کردن اغتشاشات در ایران و از طرفی ازین‌بردن اعتبار بین‌المللی جمهوری اسلامی، برنامه‌ها دارند، پس درعین حال که نباید فعالیت آنها باعث ناامیدی نشود، از طرفی نباید میدان مبارزه را رها کرده و خالی بگذاریم. وظیفه انقلابی‌ها در این مورد خطیرتر است، زیرا آنها علاوه بر اینکه باید بر مقابله و مبارزه خود مداومت بورزند، از سویی دیگر باید جلوی ایجاد گسل‌های جدید را گرفته و گسل‌های موجود را هم بپوشانند.

تهیه خوراکی‌های موردنیاز برای پذیرایی از حضار باهدف تشویق بیشتر آنها برای شرکت در این دوره‌می خودمانی و... به ثمر می‌نشست! خودشان می‌گویند که تجمع معترضین و سلطنت‌طلبان ایرانی مقیم اروپا باهدف سرنگونی جمهوری اسلامی ایران بود، اما شواهد و ظواهر که این را نمی‌گویند. می‌پرسید چرا؟ بگذارید به زبان ساده برایتان توضیح بدهم؛ آن سلطنت طلبی که «ایران» را وطن خود و اسیر در چنگال جمهوری اسلامی می‌داند، طبیعتاً نباید راضی باشد پس از سرنگونی این نظام اسلامی-زهی خیال باطل- خاک میهنشان توسط تجزیه‌طلبان تقسیم شود. پس یک سؤال: علت حضور همه گروه‌های تجزیه‌طلب و البته تشویق و حمایت آنها توسط متولی این گردهمایی «حامد اسماعیلیون» و البته سخنرانی تجزیه‌طلبان کُرد به همراه ایراد بیانیه، چه می‌تواند باشد؟ محتمل‌ترین علت با توجه گروه‌های حاضر در تجمع تجزیه ایران است، و البته باتوجه‌به اینکه اسرائیل نیز پشت این ماجرا قرار دارد (وجود پرچم اسرائیل در تجمع برلین) یقین بر این احتمال بیشتر می‌شود. سؤال دیگر نیز وجود دارد: دوباره فرض محال می‌گیریم که جمهوری اسلامی سرنگون شد، حال سلطنت‌طلبان هم آمدند به خوبی و خوشی

عکس‌هایی که حرف می‌زنند!



ردگاه‌های ارتباطی فتح

شناسنامه فتح ۲۴۸

FathISU_IR



۱۰۰۰۴۰۷۲

سامانه پیامکی



BasijISU.ir

نسخه دیجیتال فتح را
با اسکن
این
QR
کد
دریافت کنید

فتح؛ نشریه گفتمان انقلاب اسلامی
صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق